

در آغوش نور

بتی جین ایدی

فریاد مهدوی دامغانی

جایزه بین‌المللی ترجمه مناسیچه ۲۰۰۳ از ایتالیا
نشان افتخار طلای ۲۰۰۳ از شهر راونا و ۲۰۰۴ از شهر فلورانس
شهروند افتخاری راونا در سال ۲۰۰۳



تهران، ۱۳۹۳

BETTY JEAN EADIE

سرشناسه: ایدی، بتی جین، - ۴
عنوان و نام پدیدآور: در آغوش نور / بتی جین ایدی: ترجمه فریده مهدوی دامغانی.

مشخصات نشر: تهران: ذهن آویز، ۱۳۹۳

مشخصات ظاهری: ۱۶۰ ص.

شابک: 978-600-118-146-7

وضعیت فهرست نویسی: قیفا

عنوان اصلی: Embraced by the light.

یادداشت: کتاب حاضر تحت عنوان «غرق در نور» یا ترجمه زهره

یادداشت: زاهدی توسط انتشارات جیحون در سال ۱۳۷۶ و نیز تحت

عناوین متفاوت در سالهای مختلف منتشر شده است.

رقب دیگر: غرق در نور،

موضوع: تجربه دم مرگ.

شناسه افزوده: مهدوی دامغانی، فریده، ۱۳۴۲ -، مترجم.

نام: Mahdavi Damghani, Farideh

ردیف کتاب: BF ۱۰۴۵ / ۹ الف ۳ ت ۱۳۹۲

ردیف: ۱۳۳/۹۰۱۳

شماره: ۳۳۶۴۸۵۰

این کتاب ترجمه‌ای است از:

EMBRACED BY THE LIGHT

BETTY JEAN EADIE

OLD LEAF PRESS - 1992

آماده‌سازی و اجرا: پخش فرهنگ

مدیر تولید: عماد درنا

چاپ قبلی، چهل و ششم: نشر تیر ۱۳۹۲ / چاپ اول: هنر آویز ۱۳۹۳

شمار نسخه‌های این چاپ: ۳۰۰۰

حق چاپ برای نشر ذهن آویز محفوظ است

با همکاری نشر تیر

چاپ: چاپخانه کاج

صحافی: گسترش ۷۷۳۴۹۴۶۴

مرکز پخش: مؤسسه گسترش فرهنگ و مطالعات

تلفن و دورنگار: ۷۷۳۵۴۱۰۵

آدرس اینترنتی: www.gbook.ir

قیمت: ۷۵۰۰ تومان

تقدیم به تمام عزیزانی که هرگز از لطف و رحمت خداوند نومید نگشته‌اند و همواره محتاج به دعايند... و نیز تقدیم به تمام عزیزانی که در راه رسیدن به نور الهی، به آغوش حق تعالی پر کشیده‌اند.

مترجم

«... ای مومنان، خداوند را بسیار یاد کنید. و او را در بامداد

و شامگاه نیایش کنید. او کسی است که خود و فرشتگانش به

شما درود می‌فرستند، تا سرانجام شما را از تاریکی‌ها به

نوی روشنائی برآورد، و او در حق مومنان مهربان است.

درود خاص آنان در روزی که به لقای او نایل شوند، سلام

است. و برای ایشان پاداشی ارجمند آماده ساخته است.

ای پیامبر، انوار را گواه و مژده‌رسان و هشداردهنده

فرستاده‌ای. و مومنان را بشارت ده که برای آنان از جانب

خداوند، بخشش و بخشایش بزرگی در پیش است...»

سورة مبارکه احزاب آیات ۴۱ تا ۴۷

«... برای رسیدن به این پروردگارتان و بهشتی که به

پهنای آسمان و زمین است. و دیگر پیشی کنید که آن

برای کسانی آماده شده است که به خدا رسولانش ایمان

آورده‌اند. این فضل الهی است، به هر که خواهد می‌دهد و

خداوند صاحب فضل عظیم است. هیچ معصیتی در زمین و

در وجود شما روی نخواهد داد، مگر آن که قبل از این پیش،

در کتابی (لوح محفوظ) رقم خورده باشد. ملاحظه این کتاب

خدا آسان است...» سورة مبارکه حدید آیات ۲۰ - ۲۱

«... پیامبر به نازل شده‌های از جانب پروردگارش ایمان آورده

و مؤمنان نیز همگی به خدا و فرشتگان و کتاب‌ها و

فرستادگانش ایمان آورده‌اند. ما در میان پیامبران او فرقی

نمی‌گذاریم. گفتند: شنیدیم و گردن نهادیم. پروردگارا!

آمزش تو را خواستاریم و بازگشت به سوی توست...»

سورة مبارکه بقره آیه ۲۸۵

به نام خداوند بخشنده مهربان

کتابی که به زودی به مطالعه آن خواهید پرداخت، درباره حیات پس از مرگ، معاد و مهم‌تر از هر چیز، یافتن وقوف و آگاهی بهتر و بیش‌تر، نسبت به عالمی آسمانی است که خداوند بخشنده و مهربان، تمام موجودات عالم هستی را، به مشاهده نور الهی در آن قادر ساخته است. این کتاب، برای تمام انسان‌های پرهیزگار، خدادوست و خداپرست نگاشته شده است. امیدست با مطالعه آن، باز هم بیش از پیش به رحمت الهی باور آورید، محقق کنید که همه انسان‌های روی زمین، مورد برکت و لطف و فیض خداوند رحمان و رحیم هستند. داستان این بانوی نویسنده، می‌تواند داستان هر یک از ما باشد، و به راهی که امید منم مسرت‌بخشی را در قلب‌های مشتاق ما بیدار می‌سازد! آرزو مندم از خوانندگان محترم و شگفت‌انگیز آن، عمیقاً لذت ببرید و از مضمون لطیف و نورانی آن آموزش‌های معنوی زیادی به دست آورید، و از برکات دروس دینی، روحانی و عرفانی این کتاب، بهره‌مند گردید و «نورانی» شوید...

سپاس به درگاه الهی که این کتاب را به چاپ چهارم خود رسیده است. بدانسان نیز با کمال خوشوقتی اعلام می‌داریم که پس از سیزده سال از زمان نخستین ترجمه و چاپ این کتاب در ایران، این ترجمه همچنان با نهایت استقبال و با روحیه‌ای پرشور و مهربان و نیز بسیار تشویق‌کننده از سوی مردم عزیز و با محبت ایران همراه است. بدین ترتیب، مؤسسه نشر تیر مفتخر است مانده همیشه، متنی کامل و دقیق به خوانندگان عزیز و فرهیخته خود تقدیم دارد.

امیدست که این متن زیبا موردپسند شما واقع گردد.

با التماس دعا برای همه نیازمندان و تهی‌دستان،

برای همه بیماران،

و برای همه انسان‌های پژمرده دل...

و با التماس دعا برای همه انسان‌های نیک‌کردار و با ایمان...

با تقدیم احترام، ناشر



پیشگفتار * * *

پس از مطالعه کتاب در آغوش نور، اطلاعات بیشتری درباره تجربیاتی به دست آمدم که امروزه، با نام‌ها نام *NEAR DEATH EXPERIENCES* یا تجربیات نزدیک به مرگ داده می‌شود. مطالبی که در کتاب حاضر موجود است، به مراتب دقیق‌تر و واضح و کامل‌تر از بسیاری از همین نوع کتاب‌هاست.

من شخصاً نزدیک به ده سال است که تجربیاتی را در این زمینه، مورد مطالعه و بررسی دقیق قرار داده‌ام، و از صدها کودک و بزرگسال که پس از مرگی پزشکی و کلینیکی، دوباره به عالم هستی بازگشته‌اند، مصاحبه کرده‌ام.

در آغوش نور، من داستان تجربه جالب و فراموش‌ناشدنی بانویی به نام بتی جین ایدی نیست که در بیمارستان، و در حین عملی جراحی، بدرود حیات می‌گوید و دوباره از نو زنده می‌شود.

در واقع، این کتاب داستان سفری در رفقای معنا و مفهوم واقعی حیات و هستی در عالم هستی و در نظام الهی است.

به یاد گفته‌های پسرک خردسالی می‌افتم که پس از بیدار شدن هوش آمدن از یک ایست قلبی بسیار مُهلک، رو به والدینش کرد و گفت: «راز بسیار زیادی دارم که باید برایتان نقل کنم! من در حال صعود از پلگانی بودم که به بهشت منتهی می‌شد.» این پسرک، خردسال‌تر از آن بود که بتواند معنای واقعی و دقیق اظهاراتش را به والدینش فهم کند. بدیستسان نیز این کتاب، حامل همان راز سر به مهر و خارق‌العاده می‌باشد. راز، به حیات پس از مرگ مربوط نیست. بلکه سرّ جالبی در باره خود زندگی است. در حقیقت، تجربه نزدیک به مرگ، همان تجربه مردن و جان سپردن است. به هر حال، ما همه در هنگام مرگ، این تجربه را به عین آزمایش خواهیم کرد. مهم نیست تروتمند باشیم یا مستمند، قاتلی بی‌رحم باشیم یا فردی پرهیزگار...

در قدیم بر این عقیده به سر می‌بردیم که در هنگام مرگ، صرفاً به نوعی ظلمت و تاریکی وارد می‌گردیم و سپس بدین شکل، به حیاطات پایان می‌بخشیم. اما در طول سال‌ها کار و خدمت به جامعه، و رسیدگی به وضعیت جسمانی هزاران انسان (اعم از کوچک و بزرگ) به عنوان پزشک متخصص انواع امراض خطرناک و پیشرفته، کودکان و بن‌گسلان بی‌شماری را مشاهده کرده‌ام که از دنیا رفته‌اند بدون آن که هرگز دلیلی برای بیزیر دادن اعتقاداتم داشته باشم.

اما تازه پس از رسیدگی به صدها پرونده مربوط به تجربیات نزدیک مرگ بود که خودم سدهم محل از دنیا رفتن، اغلب از حالت و ماهیتی بسیار شادمانه و روحانی برخوردار بود.

پس از آنجا که با افزایش شماری که دیگر بار از دنیای ارواح، به میان زندگان بازگشته‌اند، پی بردم که هیچ‌گونه تاریکی و ظلمت ترسناکی در پایان عمرمان، انتظارمان را نمی‌کشد. در واقع نوری شایسته آکنده از لطف و رحمت و عشق در انتظار استقبال از ماست ... نوری که بنا به گفته‌ی بی‌شمار کودکانی که دوباره زنده شده بود: «بسیاری چیزهای نیکو و زیبا در آن نور درخشان وجود داشت ...!»

تجربیات نزدیک به مرگ، برخلاف تم‌وراث غلط مردم، به دلیل فقدان اکسیژن در مغز پدید نمی‌آید. حتی به وسیله استعمال داروهای بی‌حسی یا مواد مخدر و یا هرگونه فشارهای روانی ناشی از ترس از مردن نیز ایجاد نمی‌شود. بریاباً نزدیک به بیست سال است که در این زمینه، تحقیقاتی گسترده و شدید پیش آمده است، و سرانجام تمام دانشمندان و محققان به این نتیجه رسیده‌اند که این تجربیات هیچ‌گونه مرحله‌ای طبیعی و معمولی در این انتقال نهایی به شمار نمی‌رود. من حتی سیستمی از مغز انسان، نقطه‌ای یافته‌ام که به وی اجازه می‌دهد چنین تجربیاتی را به آسان محفل کند. این بدان معناست که تجربیات نزدیک به مرگ، کاملاً واقعی و حقیقی هستند، و به هیچ‌وجه زائیده نیروی تخیل فرد تجربه‌کننده به شمار نمی‌روند. این وضعیت، نوعی قابلیت معمول و عادی در وجود هر انسان است، و مانند هر توانایی، ماهیتی واقعی دارد و

در دسترس انسان‌ها است. در واقع باید بگوییم مانند علم ریاضیات، یا صحبت کردن به زبان‌های دیگر، واقعی و حقیقی است.

نزدیک به هشت سال پیش، گزارش مستند و دقیقی در مجلهٔ «پزشکی اطفال» منتشر کردم. این گزارش، حاصل زحمات بی‌وقفهٔ گروهی محقق در دانشگاه و تسکین و آرامش شهر سیاتل (بخش اطفال) بود که با نظارت مستقیم خود من، به کار خود مشغول شده بودند. هر چند این گزارش، بارها و بارها در سراسر عالم به چاپ‌های مکرر رسیده است (از جمله از سوی دانشگاه فلوریدا و بیمارستان اطفال شهر بسطن، و دانشگاه اوترخت در سران هلند)؛ لیکن اکثر مردم عامی، هنوز هم اطلاعات دقیقی از این تجربیات ندارند. متأسفانه جامعهٔ بی‌سواد هنوز هم نتوانسته است پیشرفت‌های علمی ما را در زمینهٔ مراحل گام به گام من، و دانشجویان از دنیای ارواح درک کند.

ما به شدت نیازمند پشت سر گذاشتن یک رشتهٔ آموزش‌های دقیق فنی در این زمینه هستیم. و باید این واقعیت را پذیرا باشیم که تنها به صورت ماشین‌هایی بی‌ولور یکی، بلکه موجوداتی روحانی نیز هستیم!

بسیاری از مشکلات جامعهٔ ما، از جمله برون‌هایی که دربارهٔ رسیدگی‌های پزشکی و مسائل مربوط به سلامت و بهداشت پدید آمده است، به سرانجام جان به خان‌آفرین تسلیم کردن در نهایت وقار و ممانعت، با رشد و افزایش حس از مسئولیت در انسان‌ها، موجب نابودی اقتصاد جهانی شده است، و سرانجام خجالت و شرمناکی در هر کشور، برای انسان‌های بی‌خانمانی که در خود جای داده است، همه و همه از قبل، ترک و التفات ما در برابر این واقعیت که ما همه موجوداتی روحانی و آسمانی هستیم، و فقط و طبیعتاً و الزاماً به یکدیگر وابسته می‌باشیم، ناشی شده است...

در آغوش نور، به ما می‌آموزد که حیات و زندگانی فردی ما، بسیار حائز اهمیت و سرشار از مفهوم و معناست. من هر بار که با شخصی که از دنیا رفته، و دوباره به عالم خاکی باز گشته است، به گفت‌وگو و مصاحبه می‌نشینم، و هر بار، از شنیدن نکتهٔ خاصی

بسیار شگفت زده می‌گردم؛ این که هر بار که انسانی، به داخل نور الهی گام می‌نهد و دوباره بنا به دلیلی پوشیده شده از ما، به کره خاکی مراجعت می‌کند، فقط با یک پیام ساده و بسیار دلنشین باز می‌گردد، که همانا بدین مضمون است: «هیچ چیز برتر و بالاتر از عشق نیست! عشق باید بر هر چیز عالم، حاکم باشد...! این خود ما هستیم که محیط اطرافمان را با افکار و اندیشه‌هایمان خلق می‌کنیم، و فضایی دلپذیر، یا برعکس تأثرآور و آزاربار پدید می‌آوریم. ما به زمین آمده‌ایم تا زندگی کامل و خوبی را تجربه کنیم. آمده‌ایم تا در خلاقیت‌هایمان، شادی و رضایت لازم را به دست آوریم، و نه تنها مفهوم موسیقی و پیروزی، بلکه شکست و اندوه را نیز دریابیم. لازم است از آزادی عمل خود، به نحو شایسته بهره‌برداری کنیم، تا به زندگی‌مان، ارزش و زیبایی بیشتری ببخشیم.» نویسنده این کتاب پس از مراجعت از عالم ارواح، با ادعاهای پرمطراق برای پایه‌ریزی مجدد مذهب با کلیسایی جدید و نوین، یا انجام یک رشته معجزات و شفا‌دهی‌های خارق‌العاده و اعجاب‌انگیز، خود را بر ما نمایانده است! بلکه صرفاً با پیامی از عشق و محبت، به میان ما بازگشته است.

معنا و مفهوم تجربیات نزدیک به مرگ به گونه‌ای است که ما همگی، به درستی و راستی آن اعتقادی باطنی داریم؛ لیکن آن را کم‌کم از یاد برده‌ایم. پیامی که با خود همراه دارد، بدین مضمون است: «ما وظیفه داریم زندگی را دوست بداریم! باید نسبت به هم مهربان باشیم. نسبت به یکدیگر گذشت و اغماض داشته باشیم و خدمت‌گزار صمیمی و مخلص دیگران باشیم!»

این کتاب، همچون دفتر خاطرات ساده و معمولی بانویی است که داستان زیبا و دل‌انگیز برای ما نقل کرده است. داستانی که ما همه می‌توانیم به خوبی و عمیقاً آن را درک کنیم. من شخصاً هرگز تجربه نزدیک به مرگ را برای کالبد فیزیکی تجربه نکرده‌ام. حتی از نوعی تجربه معنوی و روحانی با عالم غیب نیز بهره‌مند نشده‌ام و تا چند سال اخیر، نسبت به بسیاری از مطالب توضیح‌ناپذیر، بدین و ناباور بودم.

بدیهی است که برای کسی که به علم و دانش، به معنای ناب، پایبند و متعهد است،

دشوارترین کار این است که بخواهد بفهمد تجربه خروج از کالبد جسمانی، چه حالتی دارد، و یا آن که چگونه مراحل مردن می تواند به عنوان تجربه ای دلپذیر نمایان گردد... کتاب بتی جین ایدی، مراحل این تجربه را با نوشته ای به راستی درخشان و تحسین برانگیز توضیح می دهد. علت موفقیت این کتاب، همانا کاربرد این بانو، از واژه ها و جملات بسیار ساده و روزمره است. او کاری می کند که ناشناخته ها، به نهایت آسانی، برایمان قابل درک گردد.

او در حالی که تازه وارد مرحله مردن می شده است، احساس می کند که کالبدش لحظه به لحظه سیف تر می شود. سپس نوعی «انرژی خارجی» در وجودش حس می کند و قیام خود را نخستین احساسی که تجربه کرده بود، نوعی احساس آزادی بوده است. آن گاه، ملاقاتی با روح خود را می بیند و محفظ جان او بودند ملاقات می کند، و یک رشته کارهایی را به انجام می رسانند. گویی که بتی جین، از رابطه بسیار عمیقی که وی را به اعضای خانواده اش پیوند می داد، مطلع می گردد و از اهمیت حیات و هستی ای که وی در عالم خاکی از آن بهره مند بوده است، آگاهی عمیقی دست می آورد. آنها در مرحله مرگ بتی جین، به او یاری می رسانند.

بتی جین به درون ظلمتی توصیف ناپذیر داخل می گردد و از تونلی سیاه عبور می کند. خود او چنین می نویسد: «به نظرم می رسید که آنچه این مرگ همان «دره سایه مرگ» نیست... هرگز در طول عمرم، آن چنان احساس آرامش نکردم... تجربه او، به سؤالاتی پاسخ می دهد که انسان های بی شماری در طول سال ها در باره تجربیات نزدیک به مرگ، از من پرسیده اند. سؤالاتی که هرگز نتوانسته ام به آنها پاسخ دهم... او از بسیاری مسائل سخن می گوید، و توضیح می دهد که چرا زندگی به یک تسکین کننده از مشکلات و سختی ها می شود، و چرا اتفاقات بد همیشه برای انسان ها خوب و نیکوکار و نیک سرشت روی می دهد.

او توضیح می دهد به چه دلیل انسان هایی که تجربیات نزدیک به مرگ را آزمایش کرده اند، همیشه به سختی حاضرند به کالبد جسمانی خود بازگردند. او پس از از پذیرفتن

این واقعیت که ناچارست دیگر بار، در جهت پایان بخشیدن به مأموریتش، به زمین بازگردد، می‌نویسد: «وزن سنگین و حرارت سرد کالبد جسمانی، به راستی نفرت‌انگیز بود!... پس از شادی و لذت آزادی روحانی، لازم بود که دیگر بار، زندانی و اسیر جسم شوم...»

در واقع با مطالعه این کتاب، متوجه خواهید شد که بتی جین نه تنها در سنین بزرگسالی، بلکه در سنین خردسالی نیز تجربه‌ای نزدیک به مرگ را آزمایش کرده بود. این تجربیات برای کودکان بیشتر اتفاق می‌افتد، زیرا کودکان، اهمیتی به مسائل نژاد، نژاد، نژاد، حتی مذهبی نمی‌دهند و با سهولت بسیار زیبایی، حضور خداوند مهربان را در تمام هستی و نیز در عالم ارواح می‌پذیرند. من هرگز سخنان محبوبانه دخترکی پنج ساله را فراموش نمی‌کنم که به من گفت: «من با حضرت عیسی مسیح (ع) حرف زدم و او بسیار مهربان بود! او به من گفت که هنوز وقت مرگم فرا نرسیده است.» در واقع کودکان به مراتب بیشتر از بزرگسالان، تجربیات نزدیک به مرگ خود را به خاطر نگاه می‌دارند. در این با سهولت بیشتری قادرند روحانیت و معنویت وجودشان را درک کرده و بفهمند و برای آن گردند. چنانچه در طول دوران بزرگسالی‌شان، باز هم با چنین تجربه‌ای مواجه شوند تجربه‌ای که خواهند دید، معمولاً از ماهیتی کامل‌تر، زیباتر و واضح‌تر برخوردار می‌شوند. بتی جین ایدی، به ما یادآور می‌شود که چنین تجربه‌ای برای زندگی ما در کره زمین، بسیار لازم و واجب است. در واقع، متأسفانه تنها در طول این دو قرن گذشته بوده است که دنیای غرب به این نتیجه رسید که انسان فاقد روح است و در نتیجه هیچ حیاتی پس از مرگ وجود ندارد.

این موجب شد تا جامعه غرب، از مردن و نیستی، وحشتی عظیم در دل می‌کند. حال آن که بتی جین ایدی به ما می‌آموزد که دانستن این حقیقت که مردن، روندی معمول و روحانی است، و تجربه‌ای به شمار می‌رود که الزاماً به میل و اشتیاق مردن ارتباط ندارد، راه را برای ما هموارتر می‌سازد. او می‌گوید: «تازه در آن لحظه درمی‌یافتم

که به راستی خدایی در این دنیای لایتناهی وجود دارد ...»

دخترک کوچکی که من از او مصاحبه می‌کردم، پس از نقل تجربه نزدیک به مرگ خود، به من اعتراف کرد: «من از زندگی تازه‌ای برخوردار شدم.» او به من گفت هر چند روزهای یکشنبه به کلاس تعلیمات دینی می‌رفت لیکن اعتقادی به خدای بزرگ و بهشت و دوزخ و فرشتگان نداشته است.

او به من گفت: «زین پس، هیچ ترسی از مردن نخواهم داشت، زیرا دیگر اطلاعاتی دقیق در این باره به دست آورده‌ام!»

«واقعاً میلی به مردن نداشت، بلکه به این حقیقت رسیده بود که زندگی برای زندگان بر آن‌ها در آن دنیا بعد از هستی در عالم خاکی است ...»
از او پرسیدم: «در این اندازه متفاوت از قبل از زمان پیش از تجربه‌اش می‌داد؟»
پاسخ داد: «نیکو! و البته مهریانی به انسان‌های دیگر، کار بسیار شایسته و نیکو و دلپذیری است ...»

بتی حین از حضرت عیسی مسیح السلام می‌پرسد: «چرا زودتر از این هنگام، از چنین مطالبی اطلاع و آگاهی نداشتم؟ و به او پاسخ داده شد: «پیش از آن که شادی و بهجت را به درستی تجربه کنی، لازم بود معنای مفهوم اندوه و ماتم را درمی‌یافتی ...»
این جمله ساده و بسیار لطیف، تمام دیدگاه و بینش من نسبت به زندگی دستخوش تغییر و دگرگونی ساخت! ... پس از مطالعه این کتاب، احساس کردم بسیاری از عقاید تغییر یافته است و معنای زندگی را بهتر درک می‌کنم. حتی زمانی که پس از مطالعه این کتاب، تحول یافت و دریافتم که لازم است دیگر بار خود را با حقایق ساده و کوچک زندگی، مانوس سازم.

حقایق و واقعیاتی که همواره از وجودشان اطلاع داشتم، لیکن تاکنون نادیده گرفته بودم. حقیقت این است که ما انسان‌های مدرن امروزی، دیگر از خاطر برده‌ایم چگونه جان به جان آفرین تسلیم داریم ... به گونه‌ای رفتار می‌کنیم که گویی دیگر بخشی از زندگی معمول ما نیست. به همان اندازه نیز، از یاد برده‌ایم چگونه به نیکی زندگی کنیم.

جُزف کَمپِل، اسطوره‌شناس بزرگ این قرن اعلام کرده است که بسیاری از مشکلات مدرن ما، از اعتیاد به مواد مخدر گرفته است تا خشونت‌های مرگباری که در شهرهای پرجمعیت جهان اتفاق می‌افتد، مستقیماً از فقدان همگانی و عمومی ما برای داشتن اعتقادات معنوی و روحانی پدید آمده است. ما انسان‌ها، از یاد برده‌ایم که زندگانی داده و معمولی ما، از دیدگاه روحانی و بر اساس نظام الهی، بسیار حائز اهمیت است ...

در کتاب در آغوش نور، راز سر به مهر بسیار حائز اهمیتی نهفته شده است! روزی که شما نیز از آن مطلع و آگاهید، این همان چیزی است که پیامبران بزرگ و رهبران روحانی بزرگ تاریخ، همواره سعی کرده‌اند در طول هزاره‌های اخیر، به ما بیاموزند. بیتی جبرئیل از آن راز مطلع شده است، و به درک آن، از طریق تجربه‌ی نزدیک به مرگ زیبا و بسیار الهام‌بخش که برایش روی داد، نائل آمد. این راز، آن چنان قدرتمند است که می‌تواند زندگی شما را زیر دستخوش دگرگونی و تغییر و تحولی بسیار سازنده و مفید سازد ...!

دکتر ملوین مرس

پزشک متخصص دهر بیماری‌های مُهلک

